

شکست راهبرد اسرائیل

بیش از شش ماه از جنگ غزه می‌گذرد؛ اگر چه رژیم‌صهیونیستی در طی این مدت به‌طور همه‌جانبه از سوی آمریکا حمایت شده و باتمام توان در صحنه جنگ حضور دارد، اما نتوانسته است به هیچ‌یک از اهداف «اعلامی» و «ا عملی» خود دست یابد. شکست در تحقق اهداف، تلفات ارتش، خسارات‌سنگین اقتصادی و بحران اداره جنگ، چهار نشانه مهم داخلی است که به وضوح نشان‌دهنده شکست رژیم‌صهیونیستی در جنگ غزه است. درواقع، آنچه امروز در غزه ادامه دارد جنگ برای پیروزی نیست، بلکه لجبازی یک نیروی شکست‌خورده برای جلوگیری از فروپاشی کابینه‌ومرگ سیاسی نتانیاهو است. بعد از شش ماه حملات سنگین و نسل‌کشی گسترده که در طول تاریخ بشر بی سابقه است، نه‌تنها حماس نابود نشده و مردم غزه آنچا را ترک نکرده‌اند و کنترل امنیتی و سیاسی غزه در اختیار رژیم صهیونیستی قرار نگرفته است، بلکه در نقطه‌مقابل و براساس آنچه که در صحنه‌های میدانی، سیاسی و امنیتی دیده می‌شود، این جنگ بر عزم مردم غزه و گروه‌های مقاومت فلسطین برای شکست رژیم جعلی اسرائیل افزوده است. ضمن آنکه حماس را نیز بیش از پیش قدرتمند نموده و بازدارندگی رژیم‌صهیونیستی به‌ویژه در مناطق شمالی فلسطین اشغالی را از بین برده است. براساس ارزیابی سالانه تهدیدات توسط بخش اطلاعات ایالات متحده، حماس چنان قدرتمند شده است که می‌تواند سال‌ها و حتی ده‌ها سال در مقابل رژیم اسرائیل بایستد. حماس فقط در طی یک هفته، ۷۰ عملیات در شمال غزه علیه رژیم اسرائیل انجام داده است که در تاریخ جنگ‌های نامتقارن کم‌نظیر و منحصربفرد است. میزان خسارات و تلفات رژیم‌صهیونیستی در این جنگ بسیار زیاد است؛ گر چه سانسور رشیدی رسانه‌ای در داخل اراضی اشغالی که همیشه درباره مسائل و مشکلات و بحران‌های این رژیم وجود داشته است، مانع از انعکاس و انتشار کامل خسارات و تلفات موجود می‌شود. نتانیاهو در حالی مدعی است در «لحظه‌قبل از پیروزی» قرار دارد که در جنگ شش ماهه اخیر، رژیم‌صهیونیستی چند برابر بیشتر از تمام جنگ‌های قبلی خسارات اقتصادی دیده و تلفات انسانی داده است. این‌قدر بیش از ۲ هزار تانک، نفربر و خودروی زرهی، افزون بر ۵ هزار نفر تلفات ارتش، حدود ۳۰ هزار مورد جنون و مشکلات شدید روانی بین سربازان، گسترش خودرنی در ارتش و نیروهای امنیتی و همچنین آوارگی بیش از ۴۵ هزار نفر که حاضر به بازگشت به خانه‌های خود نیستند، تنها بخش اندکی از خسارات رژیم در این جنگ شش‌ماهه است. ارتش رژیم‌صهیونیستی در این جنگ به‌حدی خسارت دیده است که برای بازسازی و بازگشت به وضعیت پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه‌نیاز دارد. در همین راستا و با استناد به آمار و ارقام موجود، اقتصاد رژیم صهیونیستی دچار فروپاشی شده و با یک بحران عمیق مواجه است؛ تعبیری که واکنشکن در این زمینه داردقابل تأمل است: «اقتصاد اسرائیل به‌مثابه‌ویرانه‌های غزه است» علاوه بر این، مهم‌ترین رکن اداره جنگ غزه یعنی «کابینه‌جنگ» رژیم نیز اثر «اختلافات شدیدی» که وجود دارد و روز روز بیشتر می‌شود، در آستانه‌فروپاشی است، چنان‌که تمام‌تصمیماتی که در کابینه جنگ اتخاذ می‌شود از روی استیصال و درماندگی است. در حوزه شناختی نیز اوضاع بر خلاف میل رژیم‌صهیونیستی پیش می‌رود. اگر مهم‌ترین بخش جنگ شناختی را پیروزی در جنگ روایت‌ها و همراه کردن افکار عمومی در نظر بگیریم، در این عرصه نیز رژیم‌صهیونیستی با شکست بسیار سختی مواجه شده است؛ به‌طوری‌که با وجودبه‌کارگیری گسترده شبکه‌های‌رسانه‌ای در منطقه و بین‌الملل، نتوانسته است حقیقت‌وواقعیات جنایات این رژیم در جنگ غزه را از چشم افکار عمومی جهان پنهان کند. جنگ در غزه آمریکا را هم به‌خاطر حمایت همه‌جانبه‌ای که از رژیم‌صهیونیستی دارد، به دردمسر انداخته و با مخاطرات جدی مواجه کرده است؛ واکنش‌های جبهه مقاومت در یمن و عراق، عملاً باعث ایجاد تهدیدهای عملیاتی علیه مراکز و منافع حیاتی آمریکا در منطقه شده است. اینکه انصارالله در دفاع از غزه چندین کشتی آمریکایی و انگلیسی را در دریای سرخ به‌طور کامل غرق کرده، بعد از جنگ جهانی دوم بی سابقه بوده و یک هشدار جدی برای آمریکا می‌باشد! با توجه به ارزیابی‌های میدانی و سیاسی، جنگ به‌طور واقعی تمام شده است؛ رژیم‌صهیونیستی شکست خورده و مقاومت پیروز شده و آنچه که ادامه دارد در واقع لجبازی یک نیروی شکست‌خورده است. کابینه جنگ و ارتش رژیم‌صهیونیستی در مرحله‌ای قرار دارد که به‌شدت دچار انفعال شده و صرفاً به رویدادها واکنش نشان می‌دهد و در عین حال فاقد هرگونه چشم‌اندازی برای موفقیت در جنگ است.



دوراهی حمایت یا انتقاد از اسرائیل

دولت آلمان طی شش ماه گذشته آسیب‌های زیادی را به واسطه جانبداری از اسرائیل متحمل شده است

سروصدا در تراس سفارت آلمان در تل آویو بلند است. سروصدای ماشین‌های عبوری که با صدای آژیرها ترکیب می‌شود، شنیدن حرف‌های آنالنا باتربوک، وزیر خارجه آلمان را دشوار می‌کند اما او تلاش می‌کند حواس اش پرت نشود. باتربوک برای ششمین بار از زمان آغاز جنگ در نوار غزه به اسرائیل سفر کرده است و در سمشنبه‌ی قبل از عیدپاک، پیامی مملو از خشم برای اسرائیل دارد. باتربوک که یکی از اعضای حزب سبز آلمان است، می‌گوید: «هزاران استدلال از سوی بازیگران مختلف» وجود دارد که چرا غذای بسیار کمی به نوار غزه راه پیدا می‌کند. او می‌گوید که اهمیتی نمی‌دهد، «چه کسی ممکن است دقیقاً در نوار غزه باشد.» او می‌گوید که زمان کافی برای چنین بحث‌هایی وجود ندارد. باتربوک می‌گوید: «تنها چیزی که مهم است این است که کمک‌ها را به غزه برسانیم» این کمک‌ها باید همین حالا به غزه برسند نه بعداً.» لحن او شدید و پندآمیز است و مطالبه‌گر. این واقعیت که باتربوک، که خود را «دوست» اسرائیل معرفی می‌کند اما در عین حال با چنین لحن تند ی صحبت می‌کند، نشان می‌دهد که چیزی در رابطه آلمان با اسرائیل تغییر کرده است.

زمانی که اولاف شولتز، صدراعظم آلمان یک هفته‌ونیم قبل از وزیر امور خار جه خود به اورشلیم رفته بود، او نیز به‌طور غیرعادی از سیاست‌های اسرائیل انتقاد کرد. در کنفرانس مطبوعاتی با بنیامین نتانیاهو، شولتز تلاش کرد تا از شیوه‌ای که نخست‌وزیر اسرائیل این جنگ را به راه انداخته است، فاصله بگیرد. شولتز گفت که مبارزه اسرائیل علیه حماس مطمئناً مشروع است اما «هر چقدر هم که هدف مهم باشد، آیا تحقق این هدف برای توجیه تبعات وحشتناک و هزینه‌های هنگفت آن کافی است؟ یا راه‌های دیگری برای رسیدن به هدف وجود دارد؟» در واقع این سخن هشداری بود که در لباس یک سوال پنهان شده بود.

▼ آستانه تحمل آلمان برای تحمل استرس

امنیت اسرائیل بخشی اساسی از شالوده دولت آلمان است. این امر یک جزء کلیدی است که توسط آنگلا مرکل، سلف اولاف شولتز، با نام «دلیل آلمان» مطرح شده تا بتواند کیفیت رابطه آلمان با اسرائیل را توضیح دهد. شولتز نیز همین استدلال را در پارلمان آلمان، بوندستاگ، در ۱۲ اکتبر، پنج روز پس از حمله حماس به اسرائیل، تکرار کرد. وی همچنین گفت: «در حال حاضر تنها یک موضع برای آلمان وجود دارد و آن ایستادن در کنار اسرائیل است.»

اگر امروز به آن اظهارات نگاهی بیاندازیم، می‌بینیم که این وعده، عنصری موقت را در خود داشته است. گویی که شولتز نیز از قبل به بحرانی که خصومت‌های پایدار در غزه می‌تواند برای آلمان ایجاد کند و این کشور را گرفتار کند، فکر می‌کرد. آیا اکنون این امکان وجود دارد که شکافی در استدلال دولت آلمان در حمایت از اسرائیل شکل بگیرد؟ پس از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر، همبستگی برلین با تل آویو گسترده بود. هیچ دولت اروپایی دیگری به این اندازه مقامات خود را به اورشلیم نفرستاد. آلمان در مؤسسات بین‌المللی، وزن دیپلماتیک خود را در خدمت اسرائیل قرار داد و اسلحه نیز برای اسرائیل ارسال کرد.

اما رفتار متقابل اسرائیل نشان داده است که آلمان در پوته آزمایش در خصوص میزان انعطاف‌پذیری حمایت خود قرار گرفته است. هر چه جنگ بیشتر طول کشیده، گرایش به سمت دور شدن از سیاست فعلی اسرائیل، قوی‌تر شده است. البته تاکنون، هر حرکتی در این جهت عمده‌تألفاتی بوده است؛ از تندی لحن باتربوک بگیریید تا تردید ابرازشده از سوی شولتز، اما اگر رنج انسانی در غزه بدتر شود، چه خواهد شد؟ اگر اسرائیل به حمله زمینی برنامه‌ریزی شده خود به رفح، جایی که یک میلیون و ۴۰۰ هزار فلسطینی در آن پناه گرفته‌اند، عمل کند، چه خواهد شد؟ آیا آلمان همچنان در کنار اسرائیل خواهد ایستاد؟

برخی در دولت آلمان، هم به دلیل نگرانی برای جمعیت غیرنظامی غزه و هم به دلیل نگرانی از اعتبار بین‌المللی آلمان، به چنین حمایتی بدبین هستند. سفارت‌خانه‌های سراسر جهان به برلین گزارش می‌دهند که وضعیت آلمان چندان خوب نیست. اسرائیل در حال منزوی کردن خود در سطح جهانی است. آیا آلمان به‌عنوان

متحد اسرائیل نیز با چنین سرنوشتی روبه‌رو است؟ باادامه‌بدتر شدن وضعیت غزه، اولویت‌های دیپلماسی خاورمیانه‌ای آلمان در حال تغییر است. حمله اخیر اسرائیل به خودروهای متعلق به یک سازمان آمدادی که در آن ۷۰ آمدادگر کشته شدند، تردیدها را در مورد تناسب پاسخ اسرائیل به حمله حماس افزایش داده است.

باتربوک در سفرهای قبلی خودبه اسرائیل، بر سرنوشت گروگان‌های اسرائیلی در غزه که هنوز حدود ۱۳۰ نفر از آنها باقی مانده‌اند، تمرکز کرد. اما در آخر سفرش بر رنج فلسطینیان تمرکز کرد. براساس آمار رسمی آژانس‌های تحت کنترل حماس، از آغاز جنگ، بیش از ۳۳ هزار نفر در نوار غزه کشته شده‌اند. بانک جهانی و سازمان ملل تخمین زده‌اند که بیش از نیمی از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار فلسطینی ساکن نوار غزه «در آستانه فقر حطی» هستند و بیش از یک میلیون نفر خانه‌های خود را از دست داده‌اند.

باتربوک در آخرین سفر خود به تل آویو گفت که مسائل بشردوستانه «بسیار فوری تر شده‌اند.» مدت کوتاهی قبل از آن، او از گذرگاه مرزی کرم شالوم در جنوب اسرائیل بازدید کرده بود؛ جایی که کامیون‌های حامل تجهیزات کمک به غزه می‌روند. در گفت‌وگو با مقامات مرزی، ظاهراً باتربوک این تصور را به دست آورد که اسرائیلی‌ها تلاش کافی را برای جلوگیری از حطلی انجام نمی‌دهند. به نظر می‌رسد او معتقد است که باید خودش کنترل را به دست بگیرد. باتربوک به وزارت خارجه کشور خود دستور داد تا طری‌حی را با مشارکت اردن برای افزایش تعداد کاروان‌های کمک‌رسان به غزه تنظیم کند. در اواسط آوریل، او قصد دارد هیئتی از کارشناسان حقوق بین‌الملل را برای گفت‌وگو با نمایندگان دولت اسرائیل در مورد روش مدیریت جنگ اعزام کند. او به وضوح به نحوه مدیریت اسرائیل اعتماد ندارد.

▼ محدودیت‌های وفاداری

باتربوک تأکید کرده که آلمان در قبال امنیت اسرائیل مسئولیت دارد اما در عین حال او در تراس سفارت آلمان گفت که آلمان «مسئولیت رعایت قوانین بین‌المللی» را نیز بر عهده دارد. این یک هشدار واضح بود که می‌گفت وفاداری آلمان به اسرائیل بدون قید و شرط نیست و به واسطه قوانین بین‌المللی محدود شده است. شهرت بین‌المللی آلمان تا حدی بر این واقعیت استوار است که از گذشته‌ی جنایتکارانه خود در س‌های معتبری گرفته است. براساس این تجربه، دولت‌های آلمان در حمایت از حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون، بیش از سایرین فعال هستند. اما منابعی در داخل دولت و محافل دیپلماتیک می‌گویند، از ۷ اکتبر، اتهاماتی مبنی بر اینکه برلین استانداردهای دوگانه را اعمال می‌کند، مطرح شده است. یک سوال متداول این است که چرا حملات روسیه به بیمارستان‌های اوکراین را محکوم می‌کنید اما زمانی که اسرائیل یک درمانگه را در غزه بمباران می‌کند، این کار را نمی‌کنید؟ آلمانی‌ها به وضوح می‌بینند که حمله اسرائیل با قتل عام همراه بوده است. منابع دولتی می‌گویند که آلمان برای همبستگی خود با اسرائیل هزینه دیپلماتیک سنگینی پرداخت کرده است. این نکته به‌ویژه در جهان عرب صادق است اما فقط مختص به آنجا نیست. طی ماه‌های گذشته، تلاش‌های فزاینده‌ی برلین برای تحکیم روابط با کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی پس از تهاجم روسیه به اوکراین آسیب دیده است. حتی نیکاراگوئه در ماه مارس شکایتی را علیه آلمان در دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه مطرح کرده و این کشور را به همدستی با اسرائیل در نسل‌کشی در نوار غزه متهم کرد. دولت آلمان فکر نمی‌کند که این شکایت موفقیت‌آمیز باشد، با این حال وقتی دیپلمات‌های آلمانی در مورد این روند صحبت می‌کنند، لحنی دارند که نشان می‌دهد غرورشان آسیب دیده است. نیکاراگوئه خودش سابقه خوبی در آزادی ندارد، تلاش می‌کند دست آلمان را رو کند و این مسئله برای آلمانی‌ها بسیار ناراحت‌کننده است.

در نهادهای مختلف سازمان ملل، دیپلمات‌های آلمانی وقتی درباره اقدامات حماس صحبت می‌کنند، مورد انتقاد قرار می‌گیرند. در جریان جدیدترین نشست هیئت اجرایی یونسکو



عکس: Dominik Butzmann

در پاریس در ۲۲ مارس، نماینده آلمان هنگامی که درباره اتهامات ادعایی درباره خشونت جنسی از حماس صحبت می‌کرد، از سوی برخی از اعضای هیئت‌مدیره، هو شد. این واقعیت که نامزد آلمان برای سمت قضاوت در دادگاه کیفری بین‌المللی در نهایت انتخاب نشد، توسط برخی به‌عنوان مجازاتی برای همبستگی برلین با اسرائیل تفسیر شده است. دیپلمات‌ها می‌گویند که در گفت‌وگوهای محرمانه با نمایندگان کشورهای عربی، لحن آنها بسیار سرد است. آنها می‌گویند که رهبران عرب ثابت کرده‌اند که به‌طرز شگفت‌انگیزی عملگرا هستند، اما فشار از سوی افکار عمومی کشورهای عربی که به شدت با فلسطینی‌ها همذات‌پنداری می‌کنند، دولت‌ها را وادار کرد که به‌طور نمایشی از آلمان فاصله بگیرند.

برلین در تلاش است تا این آسیب را محدود کند. این عزم توضیح می‌دهد که چرا باتربوک در آخرین سفر خود به خاورمیانه، با محمد مصطفی، نخست‌وزیر جدید دولت فلسطین دیدار کرد. این دیدار زمانی انجام شد که حتی مصطفی هنوز سوگند یاد نکرده بود. اندکی قبل از ورود باتربوک به رام‌الله، وزارت خارجه اعلام کرد که آلمان در حال افزایش کمک‌های خود به فلسطینی‌ها است. آیا این اقدام برای کمک به ترمیم وجهه آلمان کافی است؟ اندکی پس از پایان سفر باتربوک، نیلز آن، وزیر توسعه آلمان، به کرانه باختری رود اردن سفر کرد. این سفر تنها یکی از سفرهای متعدد او به خاورمیانه بود. آنن می‌گوید: «ما قوت نرم زیادی را در جهان عرب از دست داده‌ایم.» در آخرین دوره پارلمان، آنن، وزیر دولت در وزارت خارجه بود. در آن زمان، پس از آنکه آلمان صدها هزار پناهنده را در جریان هجوم عظیم ۲۰۱۶-۲۰۱۵ پذیرفت، شهرت این کشور در کشورهای عربی زیاد شد. خصوصاً اینکه آلمان تقریباً یک میلیون نفر را از سوریه پذیرفته بود. آنن می‌گوید: «دولت آلمان پیوسته از امنیت اسرائیل و حق موجودیت آن حمایت کرده است. با این وجود، جهان عرب از آلمان انتظارات زیادی داشت و روابط دوستانه بود.» این روابط دوستانه به کمک‌های مالی آلمان و حمایت برلین از ایجاد یک کشور فلسطینی در آینده نیز مربوط می‌شود. با این حال، امروز آنن با جهان عرب احساس بیگانگی می‌کند: «در حال حاضر، ما شاهد ناامیدی قابل توجهی، به‌ویژه در میان شرکای خود در جامعه مدنی، نسبت به موضع یک‌جانبه‌مان در خصوص غزه هستیم.»

آلمان بنیادهای مرتبط با احزاب سیاسی اصلی خود را دارد که اغلب دفاتر آقماری در سراسر جهان دارند و به‌عنوان نوعی سیستم هشدار اولیه عمل می‌کنند. آنها ارتباط مستقیم با گروه‌های محلی را حفظ می‌کنند و تغییرات رفتاری را از نزدیک مشاهده می‌کنند و مهم نیست که این روزها با چه کسی صحبت می‌کنید. چه از بنیاد کنراد آدناوور باشد که با اتحادیه دموکرات مسیحی راست میانه مرتبط است یا از بنیاد فردریش ایبرت وابسته به سوسیال دموکرات‌ها یا بنیاد هاینریش بل مرتبط با سبزها، چه در آفریقا یا خاورمیانه. همه آنها تقریباً موارد مشابهی را گزارش می‌کنند: طردشدگی، از دست دادن اعتماد و محیط کاری چالش برانگیزتر نسبت به قبل. سازمان‌های محلی که از دیرباز با این بنیادهای آلمانی همکاری داشته‌اند، در برخی موارد به‌طور ناگهانی همکاری خود را قطع کرده‌اند. مراسم ویرانه‌ها لغو شده‌اند و حتی فراخوان‌هایی برای تحریم آلمان وجود دارد. یکی از نمایندگان آلمان شکایت می‌کند که مدافعان حقوق بشر و فعالان صلح، دقیقاً از مردمی که برلین در واقع می‌خواهد آنها را تقویت کند، دور شده‌اند.

▼ مشکل بزرگ افول اعتبار

رونجا شیفر، رئیس دفتر بنیاد فردریش ایبرت در قاهره می‌گوید: «آلمان مشکل بزرگی به نام افول اعتبار در خاورمیانه دارد. شرکای جامعه مدنی ما بر این باورند که موضع آلمان در مورد جنگ اسرائیل در غزه بسیار قابل انتقاد است. آنها از ما می‌پرسند که چگونه حمایت آلمان از عملیات نظامی اسرائیل، با سیاست خارجی